

جامع دیوان آقای حاجی سید نصراله تقوی شایان هر گونه تقریظ و تحسین است و قدر اینگونه زحمات و تحمل مشقات در پیشگاه اهل فضل و ادب پوشیده و پنهان نیست و میتوان گفت دیوانی جامعتر و مفیدتر از این نسخه برای حکیم بزرگوار ناصر خسرو تنظیم و تدوین نشده است منتهی بزرگان گفته اند
الکامل من عدت سقطانه - والفاضل من احصیت هفوانه - انتهى

شهریور ۱۳۱۰ - حسین ۱۹۰۹

☆ سیف الدین مرعنانی ☆

ذئل از يك سهینه کهن سال

اندربین شهر دلم موی میانی دارد
چون خرامد نکند هیچ نظر بر چپ و راست
گر شب خواب کند زنده نباشد آنکس
گر چه ما را بکف از ملک جهان چیزی نیست
مردانند اینهمه مردم که توشان میبینی
کوئیم اسب هوس در پی من تیز مران
که ز شکر سخن از بسته دهانی دارد
نیست آگه که بهر سونگراتی دارد
کاندر اغوش چو توسرو روانی دارد
دلبری هست که از حسن جهانی دارد
زنده است که آن هم چو تو جانی دارد
با کسی گوی که در دست معنای دارد

وله

تاقش تو هست بر ضمیرم
ان هندوی چشم را غلامم
دل تیر نظر نگاه میداشت
روی تو نشانه شد بخوبی
این عشق مناسبت ندارد
گر عشق بسوزدم عجب نیست
نقش دیگری کجا پذیرم
وان زنگی زلف را اسیرم
از بهر حمایت ضمیرم
با گهز کمان بجست تیرم
تو مجتشمی و من فقیرم
کواتش تیز و من حریرم

شمع که بعاقبت درین سوز	هم کشته شوم اگر نمیرم
ترسم که کمان ابروانش	از کیش بر آورد چو تیرم
در گوش نکردم از جوانی	پندی که بداد عقل پیرم
بر خواسته ام بد آنکزین پس	بنشینم و صبر پیش گیرم

دل زنده بعشق تست غم نیست

گر من ز محبت بمیرم

اصول اخلاق

نگارش جرجی زیدان

— ۳ —

ترجمه اشراق خاوری

واقعه احمد بن حنبل و همراهان او نیز در این زمینه گواه مبین و شاهد امینی است : مأمون عقیده بحدوث و مخلوقیت قرآن مجید را بمردم پیشنهاد نمود و حکام خود نوشت که این رأی را بر عموم مردم از عالم و غیر عالم عرضه کنند و مخالفین را پاداش زشت دهند و در صورت ابرام بقتل رسانند . در آغاز گروهی بسیار خلق و حدوث قرآن را انکار نمودند نمایندگان ولایات آنان را بحکم مأمون در زنجیر افکندند منکرین اجباراً قائل بخلق قرآن شده رهائی یافتند مگر چهارتن که یکی از آنها احمد بن حنبل امام مشهور است . نماینده مأمون بچهار نفر مزبور برای مرتبه دومین تذکر داد که در صورت انکار خلق قرآن بمجازات سخت دچار خواهند شد از این تهدید دو نفر از آنها از عقیده قدیمت قرآن برگشته بحدوث ان قائل شدند و دو نفر دیگر که یکی احمد بن حنبل و دیگری ابن نوح بود بر رأی خود باقی ماندند و اعتنائی بوعید و تهدید مأمون نکردند . نماینده مأمون ان دو را بزنجیر بسته و بطوس نزد مأمون